هفته نامه خبری-فرهنگی

امرداد

بی مرگی و جاودانگی

Amordad

An Iranian weekly Cultural newspaper

Amordad □vol.4□No.94
□Tuesday□June.01.2004
□ 1250 rials

□ ۸ صفحه □ شماره مسلسل ۹۴ □ سال چهارم
□ کوپن پارد و خرداد ماه ۱۳۸۳ ذیحجه زنتسی □ سه شنبه
□ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۸۳ خورشیدی □ تکشماره: ۱۲۵۰ ریال

۷ بهدینان سرزمین یخ و برف
رودررو با رییس انجمن زرتشتیان سوئد

۴ مدونای جدید
نقد سربازان آمریکایی

۵ کاخی با شکوه
برای فرهنگ و تاریخ ایران

خدای دانا بهتر از همه آگاه است که مردم به نام خدایان پنداری خود در گذشته چه‌ها کرده اند و در آینده چه ها که نخواهند کرد . او خود داور است . همان شود که او خواهد .

پس بهتر است دست‌ها را به سوی او بلند کنیم و لطف و مهربانیش را بخواهیم : هرگز به کسی که با راستی زندگی می کند ، ستم روا نگردد .

و هرگز به کسی که جهان را می پرورد ، آسیب نرسد .

اهنودگات،یسنا ۲۹ ، هات ۴ و ۵ ، گاتها

پیش نخست

فرهنگ ایرانی آمیخته ای است از آداب و رسوم و فرهنگ اقوام مختلفی که هر یک به نوعی در شکل گیری تاریخ چند هزار ساله این کشور نقش آفریده اند . فرهنگی کهن که ردپای آن را می توان در تمامی شئون ساکنان دنیای متمدن باستانی از شرق چین تا غربی ترین نقاط اروپا مشاهده کرد .

این فرهنگ کهن اما شاخصه هایی دارد که بدون وجود آنان وجود فرهنگ ایرانی بی معنا خواهد بود . یکی از مهمترین این شاخصه ها در کنار خرد ورزی ایرانیان ، مبحثی است که با عنوان فرهنگ شادی از آن یاد می شود .

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که بر پایه خردورزی بنا شده است و رابطه انسان با پیرامونش براساس این خردورزی تعریف می شود . براین مبنا در فرهنگ ایرانی انسان باید سودرسان و رو به پیشرفت باشد و شادی به عنوان نیاز انسان برای خوب زیستن و سودمند واقع شدن در قبال همنوعان و محیط پیرامون خود شناخته می شود . فلسفه وجودی تمامی جشن‌های ایران باستان بر پایه همین طرز تفکر بنا شده است. جشن های ماهیانه ، سالیانه و متفرقه که هر یک با عناوین متفاوت و به مناسبت های مختلف پالاینده روح انسان ایرانی از کژی ها و ناراستی ها بودند . نوروز ، مهرگان و سده از بزرگترین جشن های باستانی ایران بوده اند که از میان این سه اکنون تنها نوروز به شکلی فراگیر و با شکوه از سوی تمامی فارسی زبانان سراسر جهان برگزار می شود .

نوروز جمشیدی با قدمتی بیش از چهار هزار سال شاید قدیمی ترین جشن جهان باشد .جشنی که متأسفانه اکنون برای شناساندن آن به جهانیان دچار مشکل هستیم . مدتی است که ثبت نوروز به عنوان میراث معنوی ایرانیان در سازمان علمی ،فرهنگی،آموزشی سازمان ملل متحد یعنی یونسکو نقل محافل فرهنگی کشور است .

واقعیت این است که در کشور ما هنوز هیچ ارگان و یا سازمانی نتوانسته است آن طور که شایسته این فرهنگ کهن ایرانی است ، مطالعات و تحقیقات جامع و کاملی را روی شاخصه های ویژه این فرهنگ و درک واقعیت ها و حقایق آن انجام دهد . سازمان میراث فرهنگی کشور هم متأسفانه و با وجود تلاش های بسیاری که برای نجات ابنیه تاریخی کشور از گزند غارتگران انجام داده است ، در زمینه شناسایی میراث معنوی فرهنگی کشور همچون جشن های بزرگ ایرانی مانند نوروز ، سده و مهرگان هنوز در ابتدای راه قرار دارد .

بدین گونه در حالی که دیگر کشور ها بسیاری از آداب و رسوم خود را که شاید بسیاری از آنها عمری کمتر از یک سده دارند در زمره میراث جهانی نامنویسی کرده اند، کهن ترین جشن جهانی برای ورود به این لیست هر روز بر در یک وزارتخانه و سازمان معطل مانده و تازه در صدد شناساندن خود به صاحبان مسند این دستگاه عریض و طویل است .

نوروز در حالی در بزرگترین کشور فارسی زبان جهان اینگونه غریب مانده است که کشور های کوچک فارسی زبان تازه استقلال یافته مانند تاجیکستان تمامی میراث معنوی ایرانیان را یک به یک به نام خود سند می زند و ایران هم برای ثبت نوروز درزمره میراث جهانی به مجوز آنان نیازمند است .

ایرانیان هیچگاه نخواهند توانست در این زمینه خود را از زیر سایه این کشور ها بیرون بکشند مگر با تلاش در راه شناختن هر چه بیشتر واقعیت فرهنگی خود که نمونه ای از آن همین جشن های کهن است. در این میان نقش سازمان میراث فرهنگی و ریاست جدید این سازمان ، نقشی تعیین کننده و محوری است .

توضیح و تصحیح

در خبر مربوط به گشایش خوابگاه دانجویی در تهران که در شماره پیش به چاپ رسیده بود، به اشتباه نام آقای سروش کشاورزیان که مبلغ سی میلیون تومان برای ساخت این خوابگاه به انجمن زرتشتیان تهران اهدا کرده بود ، پرویز کشاورزیان به چاپ رسیده بود که بدین وسیله و با عرض پوزش از تمامی خوانندگان و این خیراندیش گرامی اصلاح می شود.

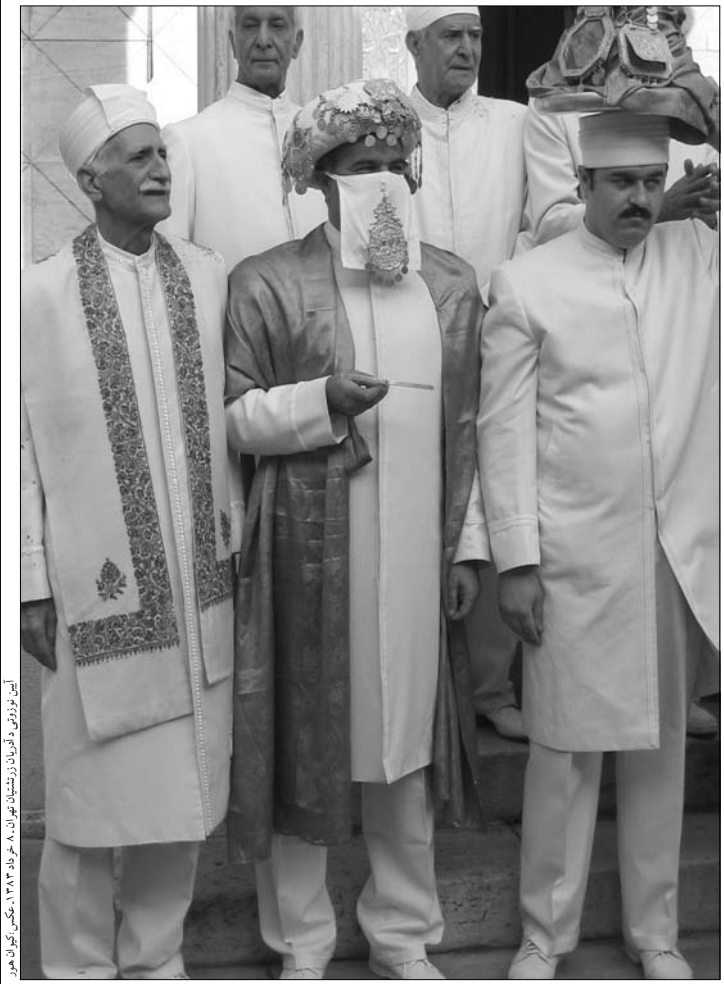

آیین نوزدشی و آذریان زرتشتیان تهران، ۸ خرداد ۱۳۸۳، عکس: کیوان هور

موبدی دیگر از خاندان نستوهان

روز آدینه هشتم خرداد ماه سال جاری فردی از خاندان موبدان ایران به جمع موبدان ایران - پیوست.

خاندان موبدان ایران که در درازنای تاریخ پر فراز و نشیب زرتشتیان ایران نشان داده‌اند که خستگی ناپذیر و استوارند ، بر اساس سنتی کهن از میان تعداد زیاد موبدزادگان، شایسته‌ترین آنان را پس از گذراندن دوره‌های آموزش نظری و عملی به این منزلت انتسابی آراسته می کند.

موبدزاده‌ای که بخواهد به این درجه روحانی برسد باید پیش از هر چیز بتواند تمام نمازهای اوستا ، یسنا و یشت ها را به خوبی و با صدای خوش قرائت کند . به جز آن باید بر چگونگی اجرای تمامی مناسک و آیین‌های دین زرتشتی اشراف داشته باشد و برای مدت ۶ ماه تا سه سال تحت نظر موبدی ورزیده (راسپی) به طور عملی اینگونه آیین‌ها را اجرا کند.

این شخص پس از گذراندن دوره های گوناگون در امتحان سختی که توسط جمعی از موبدان در انجمن موبدان برگزار می شود شرکت می‌کند و در صورت قبولی به درجه موبدی نایل می گردد.

پس از این موفقیت و قبولی ، جشن با شکوهی نیز توسط انجمن موبدان برگزار می شود که به نوعی جشن فارغ‌التحصیلی است .

این جشن را زرتشتیان «جشن نوزوتی» می گویند.

موبد رستم وحیدی تا امروز آخرین موبدزاده‌ایست که با آیین «نوزوتی» به جمع موبدان ایران پیوست.

در جشن فارغ‌التحصیلی وی جمع زیادی از زرتشتیان تهران در محل آدریان تهران حضور پیدا کرده بودند تا یکی از زیباترین آیین‌های دینی زرتشتیان را از نزدیک نظاره گر باشند. موبد رستم وحیدی که

موبد رستم وحیدی که لباس سفید موبدی بر تن داشت و کلاه سفیدی که با زنجیر و سکه‌های نقره آراسته شده بود در حالی که اوستا زمزمه می‌کرد به همراه موبد مهربان فیروزگری و موبد پدرام سروش پور در دور «آفرینگان»بزرگی چرخید.

لباس سفید موبدی بر تن داشت و کلاه سفیدی که با زنجیر و سکه‌های نقره آراسته شده بود و با پارچه‌ای که «پنام » نامیده می شود صورتش را پوشانده بود به همراه موبد مهربان فیروزگری و موبد پدرام سروش پور که پیش از وی موبد شده بود سه بار به دور «آفرینگان»بزرگی که برای اجرای این آیین تدارک دیده شده بود چرخید.فیلمبرداران و عکاسان زیادی برای ضبط صحنه هایی که کمتر تکرار می شود در محوطه اطراف آدریان تهران حضور پیدا کرده بودند.

موبد دکتر اردشیر خورشیدیان اعتقاد دارد: « موبد، موبد زاده‌ای است که اوستای بایسته را بیاموزد و سنتها و مراسم و آئینهای مذهبی را فرا گیرد و پس از گذرانیدن دوره های لازم تحت نظارت انجمن موبدان طی مراسمی ((نوزوت)) گردد. »

بر اساس گزارشی که موبد جهانگیر اشیدری در این آیین ارایه کرد: موبد رستم وحیدی شصت و هشتمین موبدی است که از آغاز دهه ۵۰ تاکنون که این مراسم به صورت سنتی خود برگزار می‌شود ، نوزوت شده است.

موبد اشیدری که در حال حاضر رئیس انجمن موبدان است ، در مراسم ضیافتی که به همین مناسبت توسط سازمان فروهر برگزار شده بود بدعت گذاری دینی را تهدیدی برای دین دانست و تأکید کرد که فقط نظر انجمن موبدان که با آرای هیات مدیره آن به تصویب می‌رسد ملاک است .

موبد وحیدی نیزدر سخنان کوتاهی در این جلسه گفت: از این لحظه بار مسئولیتی تاریخی را بر دوش خود احساس می کنم که وظیفه‌ام را حساس تر می‌کند.

نوروز برای ثبت در یونسکو به مجوز کشورهای همسایه نیاز دارد

نوروز ایرانی و چالش جهانی شدن

نوروز جمشیدی به عنوان یکی از کهن ترین جشن های ایرانی هنوز نتوانسته است تا در زمره میراث معنوی جهانی ، در یونسکو ثبت شود .

یونسکو در حالی اعلام کرده است که شرط پیشنهاد ثبت میراث شفاهی و معنوی کشور ها در یونسکو عضویت در کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی معنوی است ، تاریخ نهم مهر ماه (۳۰ سپتامبر)را به عنوان واپسین مهلت برای عضویت در این کنوانسیون تعیین کرده است .

با وجود این هنوز الحاق به این کنوانسیون در دستور کار دولت قرار نگرفته است .این در حالی است که تا هفته گذشته بیم آن می رفت که کشور های فارسی زبان همسایه که نوروز را برگزار می کنند ، پیش دستی کرده و این جشن را به عنوان میراث معنوی خود به یونسکو برای ثبت پیشنهاد دهند .

اما با گذشت یک هفته از این موضوع رییس پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی کشوردر گفتگو با ایسنا بحث دیگری را مطرح می کند . وی می گوید : کشورهای همسایه باید تایید کنند که آیا موافقند ما پیشنهاد ثبت نوروز را به یونسکو بدهیم یا خیر؟

همچنین معاون پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور گفت: ما به دفتر یونسکو در ایران اعلام کردیم که هماهنگی‌های لازم را برای گرفتن موافقت دیگر کشورها برای ارایه‌ی مدارک آیین نوروز ازسوی ایران به یونسکو انجام دهد.

جلیل گلشن در حالی این مطلب را به خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) اعلام کرد که پیش از این گفته بود هماهنگی با کشورهای دیگر تا پایان اردیبهشت‌ماه صورت خواهد گرفت.

وی تاکید کرد: ما مدارک مربوط به نوروز را در موعد مقرر برای ثبت در فهرست میراث معنوی یونسکو ارایه خواهیم کرد.

محمد میرشکرایی ـ رییس پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور ـ نیز در پاسخ به این پرسش خبرنگار ایسنا که آیا در سال ۸۱ فیلمی ۱۴ دقیقه‌یی درباره‌ی نوروز ساخته و برای ارایه به یونسکو ، به پژوهشکده‌ی مردم شناسی تحویل داده شده است ، و این با گفته‌های پیشین شما تعارض دارد، گفت: البته آن فیلم دیگری بود که تهیه کردیم و از آن یک قطعه۱۴ دقیقه‌یی درآوردیم که هنوز به یونسکو نفرستاده‌ایم. البته تحویل آن هم سال ۸۲ بود.

افغانستان: نوروز

وی با اشاره به اینکه قرار نیست هیچ فیلمی برای تایید به کشورهای دیگر فرستاده شود، اظهار داشت: کشورهای دیگر (که آیین نوروز در آن‌ها برگزار می شود) باید تایید کنند که آیا موافقند که ما پیشنهاد ثبت نوروز را به یونسکو بدهیم یا خیر ؟او گفت و گو درباره‌ی چگونگی و کیفیت مدارک آیین نوروز را به زمان دیگری موکول کرد.

کانون هنر
ما همیشه بهترین بوده ایم
واکنون ...
با پرسنلی جدید در خدمت شما هستیم
انجام خدمات :
فیلمبرداری با سیستم تمام دیجیتال(DV) و VHS
یک دوربینه و دو دوربینه با فیلمبردار خانم
تدوین و مونتاژ کامپیوتری فیلم
عکسبرداری از کلیه مراسم شما
به عزیزانی که تا پایان خرداد ماه برای رزو زمان و عقد قرارداد مراجعه کنند تخفیف ویژه داده خواهد شد
نشانی : خ میرزاکوچک خان ، کوچه زرتشتیان ، شماره ۱۸ ، واحد ۵
تلفن : ۰۹۱۲۳۷۷۰۳۸۰ - ۰۹۱۲۱۹۰۷۶۲۶
۶۷۱۷۲۵۰
نمیرانیان ـ هور

یسنا کامپیوتر
نشانی : ولیعصر ـ بالاتر از چهار راه طالقانی
مرکز کامپیوتر ایران ـ ورودی دوم
پلاک ۸۴۰
تلفن: ۱۷ ـ ۸۸۰۵۱۲۸

۱- تمثال فروزان اشوزرتشت در ابعاد ۲۱×۱۷ سانتیمتر
۲- آفرینگان ورهرام
۳- فتیله روشنایی شناور
۴- تعمیرات آیینه تمثال اشوزرتشت
خدا رحم گوشنی از هر گونه همکاری در امور فوق الذکر و کارهای دینی و سنتی ابتکاری دیگر استقبال می کند.
تلفن: ۸۹۱۷۳۱۵-۸۸۰۲۱۷۶

شرکت نوآهنگ
برگزار کننده جشنها و میهمانی های شما
نورپردازی مجالس
اجرای پروژه های تخصصی صدا
همراه ۰۹۱۲۱۰۶۱۸۴۹
سهراب جمشیدیان

امرداد از نگاه دیگران

آرزو رسولی

خرداد، ماه امشاسپند کمال و نماد نجات بشر

ایرانیان قدیم ماه را به چهار قسمت نامساوی تقسیم می کردند و مانند امروز، تقسیم بندی ماه بر اساس هفته نبود، در این تقسیم بندی، هر روز ماه به نام یکی از امشاسپندان یا ایزدان ایران باستان نامگذاری شده بود و این نامگذاری از فلسفه خاصی پیروی می کرد. نخستین روز ماه اورمزد یا هرمزد به نام آفریدگار بزرگ، اهورامزدا بود.

روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم ماه به اسم خداوند، «دی» (= آفریننده) نامیده می شد. یعنی هر چهار قسمت ماه با نام خدا آغاز می شد. در نخستین قسمت ماه، پس از نام اورمزد، شش امشاسپند قرار می گیرند، به ترتیب: بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمد، خرداد، امرداد، که نام آنها را البته با ترتیبی دیگر در نام ماه های سال هم می بینیم. روزهای سه قسمت دیگر ماه با نام ایزدان ایرانی نامگذاری شده است و در هر قسمت، ایزدانی قرار دارند که به نوعی با هم همکار و مرتبط اند. این نامگذاری ها امروز هم در تقویم هموطنان زردشتی ما حفظ شده است.

در دین زردشت و نیز در میان ایرانیان جشن های زیادی متداول بوده است. جشن که از نظر لغوی با یسن (= دعا، نیایش) و یزش (=عبادت) هم ریشه است، خود نوعی عبادت بوده است. همه عبادات دینی ایرانیان با جشن آمیخته شده بود. یکی از مناسبت های جشنی، هم نام شدن نام روز و ماه بوده که در تمام ماه ها چنین جشنی وجود داشته است. اما برخی از این جشن ها از اهمیت بیشتری برخوردار شدند، مانند جشن مهرگان (۱۶ مهر) و جشن تیرگان (۱۳ تیر).

در این گونه جشن ها، از امشاسپند یا ایزد موکل بر آن روز و ماه ستایش می شده است. ماهی که در آن به سر می بریم، خوردادگان است که روز ششم خرداد ماه برگزار می شد و به نام خرداد یا هئوروتات Haurvatat، امشاسپند مادینه نامگذاری شده بود.

خرداد به معنی تمامیت، کلیت و کمال است و مظهری است از مفهوم نجات برای افراد بشر. از کارهای عمده او حمایت از آب است و شادابی گیاهان از اوست. همچنین خرداد مظهر تندرستی و سلامتی است. خرداد همواره در متون همراه مرداد، امشاسپند مادینه دیگر ذکر می شود. این دو امشاسپند با آب و گیاه ارتباط دارند.

در یکی از کتب پهلوی به نام «شایست ناشایست» ارتباط میان هفت امشاسپند با هفت مرحله آفرینش این چنین شرح داده شده است: «در گیتی از آن من، که هرمزدم، مرد پارسا، و بهمن را گوسفند، و اردیبهشت را آتش و شهریور را فلز و سپندارمد را زمین و زن نیک؛ و خرداد را آب، و مرداد را گیاه است.»

از آن جا که پاره ای از مراحل آفرینش مثل آب و گیاه به گونه ای طبیعی جفت اند، پس پاسداران آنان نیز، خرداد و مرداد، بیشتر اوقات با هم می آیند. هدایای آنان ثروت و رمه چهار پایان است، به گونه ای که این دو نماینده آرمان های نیرومندی، سر چشمه زندگی و رویش هستند. هماوردان خاص آنها، دیوان «گرسنگی» و «تشنگی» اند. همکاران خرداد، ایزد تیشتر و باد و فروهر پرهیزکاران هستند. خرداد امشاسپند در دوران حمله اهریمن، آب را به یاری فروهرها می ستاند. به باد می سپارد و باد آن را به شتاب به سوی کشورها می برد و به سویه ابر می بارانند.

در نامگذاری ماه ها، خرداد و مرداد در دو طرف ماهی هستند که نماد آن تیر یا تیشتر است و تیشتر ایزد باران است. در این جا هم ارتباط میان دو امشاسپند را با آب می بینیم. افزون بر این، در ملکوت خداوند، تندرستی و زندگی جاودان زیر نظر این دو امشاسپند بهره آدمی خواهد شد.

در بندهشن (=آغاز آفرینش) Bundahisn، یکی از کتاب های پهلوی که بر اساس ترجمه ها و تفسیرهای اوستا تدوین یافته و در بردارنده اسطوره های مربوط به آفرینش، تاریخ اساطیری و واقعی ایرانیان، جغرافیای اساطیری و حتی نجوم و ستاره شناسی است، درباره این امشاسپند آمده است: «خرداد سرور سال ها و ماه ها و روزهاست؛ و این از این روی است که او سرور همه است. او را آب مایملک دنیوی است. «هستی، زایش و پرورش همه موجودات جهان از آب است و زمین را نیز آبادانی از اوست.» چون اندرسال، اگر نیک شاید زیستن، به سبب خرداد است... او که آب را رامش بخشد یا بیازارد، آن گاه، خرداد از او آسوده یا آزرده بود. او را همکار، تیر و باد و فروردین است.»

در یشت ها، یکی از بخش های اوستا، کتاب مقدس زردشتیان، که در ستایش و نیایش ایزدان است، فقط برای دو امشاسپند، اردیبهشت و خرداد، هر یک یشتی جداگانه موجود است. خرداد یشت در ستایش خرداد امشاسپند، چهارمین یشت اوستاست که متاسفانه آسیب زیادی دیده و بسیاری از کلمات آن از بین رفته یا ناخواناست. تفسیر پهلوی آن هم که ممکن بود تا اندازه ای کلید فهم آن باشد، امروزه در دست نیست.

اما در آن چه باقی مانده، در یازده بند، به یاد کردن از امشاسپندان به ویژه خرداد سفارش شده. چون یاد آنان دیوان را دور می سازد و یاد خرداد، به خصوص دیونسو (=دیو فساد و گندیدگی) را می راند. در این یشت، به صراحت آمده که خداوند امداد و رستگاری و رامش و سعادت را از طرف امشاسپند خرداد به مرد پاکدین می بخشد. در بند ده این یشت می خوانیم: «برای فروغ و فرّش من او را امشاسپند خرداد را با نماز بلند و با زوهر می ستاییم، ما می ستاییم امشاسپند خرداد را با هوم آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد، با پندار و گفتار و کردار، با زوهر و با کلام بلیغ...»

گفتنی است امروزه جشن خوردادگان همچون بسیاری دیگر از جشن های ایرانی به فراموشی سپرده شده است. این جشن و اغلب جشن های این چنینی حتی در میان هموطنان زردشتی نیز دیگر همچون گذشته برگزار نمی شود و تنها به برگزاری برنامه مختصری از سوی انجمن زردشتیان منحصر شده است.

باستان شناسان خارجی پیش از انقلاب به ایران باز می گردند

تلاش برای باز پس گیری تاریخ

باستان شناسان خارجی پس از ورود به ایران پس از روشن شدن برخی از سوالات وابهامات باقی مانده ، گزارش خود را از یافته های پیشین ارایه می دهند

آستان بدایت گیری یکی از پیران

سازمان میراث فرهنگی کشور می خواهد تاریخ به غارت رفته کشور را از خارجی ها پس بگیرد . چند ماه اخیر همزمان بود با اوج این تلاش ها برای استرداد تاریخ چند هزارساله ایران .

پس از آنکه در دوره قاجار و به سبب ناتوانی و فساد در دستگاه اداری کشور ، خارجیان بسیاری کاوش های خود را در مناطق باستانی ایران آغاز کردند و بسیاری از گنجینه های تاریخی ایران ، از کشور خارج شد. این کاوش ها در حالی با پیروزی انقلاب ایران ناتمام ماند که هیچ گزارشی از سوی باستان شناسان ایرانی در اختیار سازمان میراث فرهنگی و یا وزارت ارشاد قرار نگرفت .

یکی از این گنجینه ها ، کتیبه های گلی هخامنشی یافت شده در تخت جمشید بود که از سال ۱۹۳۳ به مدت شش سال ، به دانشگاه شیکاگوی آمریکا منتقل شده بود . اما با تلاش ایرانیان ، اردیبهشت ماه گذشته ، ۳۰۰ عدد از این کتیبه ها به ایران بازگشت .

اکنون اما و بر اساس توافقات به عمل آمده ، قرار است هیات های باستان شناسی خارجی برای تکمیل گزارش های حفاری خود در سال های پیش از انقلاب و ارایه گزارش های تازه ای بر اساس یافته های پیشین و امروزین باستان شناسی در محوطه های تاریخی کشورمان به ایران بازگردند.

«میراث خبر»در گزارشی با این عنوان و به نقل از «جلیل گلشن» معاون پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور آورده است : «هم اکنون در حال مذاکره با چندین هیات باستان شناسی خارجی هستیم که پیش از انقلاب کاوش های آنان در مناطق مختلف شمالی و جنوبی کشور نیمه تمام باقی مانده است . »

گلشن تاکید می کند که این باستان شناسان خارجی پس از ورود به ایران به صورت مشترک با باستان شناسان داخلی یک یا دو فصل کاوش انجام داده و پس از روشن شدن برخی از سوالات وابهامات باقی مانده ، گزارش خود را از یافته های پیشین ارایه می دهند و در صورت مهیا بودن شرایط ، کاوش های خود را به طور مشترک با ایرانیان در این محوطه ها از سر می گیرند .»

گلشن از تعداد گروه های خارجی به دلیل نامشخص بودن پی اطلاع است ، اما می گوید: برای ارائه گزارش کار حفاری های قبلی هم اکنون گروهی از پژوهشگران و باستان شناسان ایتالیایی که پیش از انقلاب در مسجد جامع اصفهان کار کرده بودند در ایران هستند و قرار است گروهی از باستان شناسان به سرپرستی دکتر «استروناخ»باستان شناس آلمانی ، کاوش های قبلی خود را در شهر صد دروازه ادامه دهند .

حضور باستان شناسان خارجی در ایران از دو سال پیش به صورت گروه های مشترک با ایرانیان و یا به عنوان کارشناس در هیات های مختلف باستان شناسی در راستای تبادلات علمی و تحقیقاتی و آغاز شده است .

بخشی از دیوار قلعه الموت در جریان زلزله هشتم خرداد آسیب دید

میراث خبر: در اثر زلزله ۶/۲ ریشتری عصر ۸ خرداد ۱۳۸۳ که شعاع لرزه آن در تعدادی از استانها و شهر های کشورمان از جمله تهران ، قزوین ، مازندران ، گلستان ، گیلان و ... به شدت احساس شد، علاوه بر تلفات ، متاسفانه بخشی از دیوار قلعه الموت در اطراف شهر قزوین ریزش کرد و به روستای تاریخی گازرخان که قلعه در آن جای گرفته آسیب هایی وارد شده است.

زلزله روز نهم خرداد در بم ، بار دیگر موجب تخریب بخش های دیگری از ارگ تاریخی بم شد
به خانه تاریخی نیما یوشیج که در شهرستان یوش و در نزدیکی مرکز زلزله قرار گرفته هیچ آسیبی وارد نشده است

بخشی از دیوار قلعه الموت در حالی در اثر زلزله فروریخته است که پیشتر میراث خبر طی گزارشی اعلام کرده بود پرونده ثبت منطقه الموت به عنوان نخستین بستر طبیعی و تاریخی کشور برای جای گرفتن در فهرست میراث طبیعی و تاریخی یونسکو تا پایان امسال تهیه می شود.

منطقه الموت از محوطه های تاریخی و طبیعی بسیار منحصر به فرد در ایران و جهان است که در آن قلعه های باستانی، محوطه های تاریخی، حیات وحش و مناظر طبیعی و گونه های طبیعی بسیار بی نظیری وجود دارد. .

طی خبرهای رسیده بر اثر این زلزله بخشی از دیوار پشت قلعه حسن صباح ریزش کرده و چندین خانه در این منطقه تخریب شده است.

خبرهای رسیده حاکی از آن است که به خانه تاریخی نیما یوشیج که در شهرستان یوش و در نزدیکی مرکز زلزله قرار گرفته هیچ آسیبی وارد نشده است.خانه نیما در منطقه یوش جای گرفته است .این خانه که پدر شعر نو در آن سکونت داشت و هم اکنون آرامگاه او نیز در همین جا ست ، مربوط به دوره قاجاریه است.

حیاط خانه نیما یوشیج - مازندران

در حالی که هنوز چند ساعت از وقوع زلزله در تعداد زیادی از استان های شمالی کشور نگذشته است، صبح روز ۹ خرداد، بار دیگر زمین لرزه ای به شدت ۴/۴ ریشتر شهر بم واقع در استان کرمان را تکان داد.

زلزله ۶/۳ ریشتری پنجم دی سال گذشته بیش از ۸۰ درصد از ارگ تاریخی بم را تخریب و بخش های سابط نشین ، حاکم نشین و بسیاری از بخش های دیگر این میراث دو هزار ساله را ویران کرده بود. این در حالی است که زلزله روز نهم خرداد ، بار دیگر موجب تخریب بخش های دیگری از ارگ تاریخی بم شد.

«اسکندر مختاری»، مدیر پروژه نجات بخشی ارگ تاریخی بم در این مورد گفت: «بخش هایی از دیوارهای جانبی و باروی اطراف و همچنین بخش حاکم نشین ارگ تاریخی بم بر اثر زلزله صبح امروز فرو ریخته است.»

بخش هایی از بناهایی که طی زلزله اخیر فرو ریختند، در زلزله ۵ دی ماه بم تا حدودی تخریب شده بودند و حالت ناایستا و نامتعادلی داشتند.

آسیب‌رسانی بیمارستان گودرز به قنات یک هزار ساله زارچ یزد

میراث خبر : تهدید فزاینده قنات زارچ ، ازجمله قنات های زنده یزد به دلیل جریان فاضلاب و ساخت وسازهای غیر اصولی ،همچنان ادامه دارد .

سید محمد بهشتی مدیر کل میراث فرهنگی یزد با اعلام این مطلب به «میراث خبر »افزود : روند فزاینده این تهدیدها تا کنون چندین بنای تاریخی یزد را دچار ویرانی کرده است و ریزش برخی قسمت های در بازار قدیمی «محمدخان » یزد ازجمله این موارد است .

به گفته حسینی قنات زارچ به دلیل ورود فاظلاب« بیمارستان گودرز » ازجمله مراکز وابسته به اوقاف یزد ، دچار آلودگی شدید شده است و با توجه به اهمیت موضوع اداره کل محیط زیست یزد در مورد پیشگیری از روند آلودگی این قنات پس از اخطار به مسئولان بیمارستان ، دست به اقدام قانونی زده است که پرونده آن در دستور کار دایره حقوقی این اداره کل قرار گرفته است .

مژگان رضوان فر مسئول فنی آزمایشگاه اداره کل حفاظت از محیط زیست استان یزد نیز در مورد اقدامات صورت گرفته ازسوی دایره حقوقی این اداره کل،چنین گفت : طبق آ یین نامه اجرایی بند ج ازماده ۱۰۴ و ۱۳۴ قانون برنامه سوم توسعه و آ یین نامه مربوطه در مورد آ لودگی آ ب های زیرزمینی در اثر فعالیت های صنعتی و مصارف شهری است اقدامات قانونی درباره قنات زارچ را آ غاز کردیم .

رضوان‌فر در مورد اعمال مواردقانونی‌نسبت به بیمارستان گودرزگفت: پس از انجام بررسی ها وتعیین میزان D.Bدر پس آ ب بیمارستان گودرز که مستقیما به قنات زارچ می‌ریزد، به مسئولان بیمارستان رسما اخطار کرده و جریمه نقدی نیز تعیین گردید . ضمن آ ن که مقرر شد در سقف زمانی شش ماه نسبت به اتصال به شبکه فاضلاب یزد اقدام ویا به سیستم تصفیه فاضلاب مجهز شود .»

رضوان فر در مورد نتایج این اقدامات گفت :« پس از گذشت شش ماه مسئولان بیمارستان در خواست تمدید کردند و چون از اجرای مقررات یاد شده سرباز زدند ، پرونده مربوطه به مراجع قضایی ارجاع داده شد و رسما از مسئولان مربوطه شکایت شد که شاکی نیز اداره کل محیط زیست و میراث فرهنگی یزد بودند . براین اساس مسئولان بیمارستان به طور قاطع در دادگاه محکوم شدند اما برای مدت شش ماه دیگر نیز از سوی دادگاه مربوطه به ایشان مهلت داده شد . »

وی افزود :« طی مدت اخیر مسئولان بیمارستان گودرز بخشی از جرایم زیست محیطی تعیین شده را نیز پرداخت کرده اند اما طبق مقررات همچنان موظف به رعایت استانداردهای زیست محیطی در خروجی فاضلاب بیمارستان هستند . »

وی دلیل این تاخیر ها را تمایل مسئولان بیمارستان جهت اتصال به شبکه فاضلاب شهری دانست و یاد آ ور شد که هنوز این شبکه در منطقه مربوطه توسعه نیافته است .

قنات تاریخی زارچ ازجمله قنات‌های مربوط به قرن چهارم هجری ودوران حکومت آ ل کاکویه است که برخی محققان قدمت آ ن را به دوران پیش از اسلام نسبت داده اند . این قنات دارای سه شاخه شور شیرین و ابراهیم خویدکی است که در حال حاضر تنها شاخه شور آ ن فعال است و دو شاخه دیگر آ ن ازکار افتاده است . این قنات در گذشته آ ب مورد نیاز تمام آ سیاب ها و پایاب های یزد را تامین می کرده است . از ویژگی های ارزنده این قنات ، مادر چاه آ ن است که به آ ب های زیر زمینی متصل بوده و کاهش یا افزایش بارندگی در میزان آ ب آ ن تاثیری ندارد .

گسترش ادیان در تاجیکستان

در تاجیکستان حدود ۳ هزار مسجد و ۷۵ سازمان مذهبی غیر اسلامی فعالیت دارد. به گفته مقامات تاجیکستان ، این ارقام دلیل گسترش واقعی آزادی عقاید و وجدان و رشد استوار ادیان در این کشور است.

ولی مسئولین مرکز اسلامی تاجیکستان و برخی از کارشناسان مستقل تاجیک ایجاد برخی از محدودیتها را برای مسلمانان و برخورداری نابرابر سازمانهای مختلف مذهبی از امتیازات مقرر شده توسط دولت را یک نوع نقض حقوق مسلمانان در این کشور عنوان کرده اند.

طبق آمار رسمی ۹۷ درصد جمعیت تاجیکستان مسلمان اند. به گفته مسئولین کمیته ادیان تاجیکستان با کسب استقلال و پایان جنگ داخلی پنجساله شرایط مناسبی برای احیای ارزشها و سنن اسلامی فراهم شده است.

تا سال ۱۹۸۸ میلادی در تاجیکستان ۱۷ مسجد جامع فعال بود و به دنبال کسب استقلال این کشور در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ میلادی تعداد مساجد به بیش از ۷۵ و سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ بیش از ۱۵۰ مسجد جامع و حالا این رقم به ۲۲۶ عدد رسیده است.

در دوران حاجی اکبر توره جان زاده، قاضی القضات پیشین تاجیکستان در دهه تمام شرایط برای مدرسان و شاگردان مدرسه فراهم بود، به دانشجویان کمک هزینه تحصیلی و غذای رایگان می دادند، ولی حالا شاگردان با پرداخت مبلغی تحصیل می کنند .

این در حالی است که مسئولین مرکز اسلامی تاجیکستان ابراز تاسف می کنند که مقامات دولتی و افراد ثروتمند برای ساختمان مسجد مرکزی شهر دوشنبه هیچ کمکی نکرده اند.

تا استقلال تاجیکستان، سه سازمان دینی غیر اسلامی، یعنی کلیسای دین مسیحی، کاتولیک و نیایشگاه یهودی در این کشور فعال بود. ولی با اغاز جنگ داخلی در این کشور تعداد سازمانهای مذهبی غیراسلامی در تاجیکستان بمراتب افزایش پیدا کرده و هماکنون طبق آمار رسمی شماره این گونه سازمانها به بیش از ۷۰ رسیده است.

بیشتر این سازمانها فرقه های مربوط به دین مسیحی هستند که در سراسر تاجیکستان فعالیت دارند. همچنین به گفته کارشناسان مستقل سازمانهای افراط گرای زیرزمینی ، نظیر شیطان پرستی نیز در تاجیکستان فعالیت می کنند که برای امنیت ملی این کشور خطراتی را در پی خواهند داشت.

در پی افزایش تعداد سازمانهای مذهبی غیر اسلامی و فعالیت مبلغان فرقه های مختلف مذهبی در تاجیکستان تعدادی از افراد مسلمان به ادیان دیگر گرویده اند. مسئولین کمیته دین تاجیکستان می گویند پدر یا مادر بیشتر چنین افراد از جمله مردم غیرمسلمان بوده اند. ولی گفتگو با برخی از این افراد ثابت کرد در میان افراد به ادیان دیگر گرویده شماره مسلمانها نیز کم نیست.

در ایران ۱۵۱ مکان مذهبی برای اقلیت های دینی رسمی وجود دارد

میراث خبر: ۱۵۱ مکان مذهبی در سراسر ایران به **اقلیت های مذهبی مسیحی ، یهودی و زرتشتی تعلق دارد که از این میان تهران با ۶۹ مکان دارای بیشترین تعداد و استان مازندران با ۱ مکان، دارای کمترین تعداد مکان اقلیت های مذهبی است.**

در آخرین تحقیقاتی که دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۸۲ انجام داد، مشخص شده است که از ۱۵۱ مکان مذهبی مربوط به ادیان مسیحی ، یهودی و زرتشتی ، ۶۰/۵ در صد «کلیسا» ، ۲۰/۵ در صد «کنیسه» و ۱۸ در صد«معبد شاه ورهرام ایزد» است.

در این تحقیقات مشخص شد که ۴۳ در صد اماکن مذهبی ادیان اقلیت در استان تهران قرار دارد و آذربایجان غربی با ۲۱/۵ درصد رتبه بعدی را به خود اختصاص داده است. معابد«شاه ورهرام ایزد» در استان های تهران، سیستان و بلوچستان و یزد قرار دارند و کنیسه های یهودی نیز در استان های تهران، اصفهان و خوزستان. ۶۸ در صد کنیسه ها در تهران، ۱۲ در صد در اصفهان و ۱۲ در صد در خوزستان قرار دارند.

با این که در این آمار ، ۱۵۱ مکان مذهبی مسیحی ، یهودی و زرتشتی در سراسر ایران گزارش شده است اما همه این تعداد فعال نیستند و ۸۱ در صد آنها به صورت «مستمر فعال» هستند و ۱۲/۵ در صد آنها به صورت «غیر مستمر فعالیت» می کنند. ۵/۶ در صد این مکان هم کاملا «غیر فعال» هستند.

از میان استان هایی که مکان دینی اقلیت های مذهبی در آنها بیشترین فعالیت را دارا هستند باید از استان های سیستان و بلوچستان ، فارس و گیلان نام برد. در استان آذربایجان غربی نیز ، مکان های مذهبی نام برده ، کمترین فعالیت را دارا هستند.

مکان های مذهبی اقلیت های مذهبی در سال های متفاوتی شروع به فعالیت کرده اند. محققان این طرح آماری متوجه شدند که بیشترین نسبت فعالیت مکان

آذریان تهران-عکس: کیوان هور

های مذاهب نام برده، بین سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۷ شمسی و کمترین نسبت به سال های ۱۳۵۷ به بعد بر می گردد. در این طرح آماری مشخص شده است که ۲۷ درصد این مکان های مذهبی بین سال‌های ۱۲۰۱ تا ۱۳۰۰ قمری، ۱۴/۶ در صد آنها بین سال ۱۰۰۰قمری و قبل از آن و ۶ در صد آنها در بین سال های ۱۰۰۱ تا ۱۲۰۰ قمری فعال شده اند. بسیاری از این مکان های مذهبی به دلیل دیرینگی زمان ساخت آنها یا به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده اند یا در حال به ثبت رسیدن هستند.

بین اماکنی که سال ساخت بنای خود را اعلام کرده‌اند، بیشترین نسبت(۴۳ در صد) به ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۷ قمری تعلق دارد. پس از این، ۱۲۰۱ تا ۱۳۰۰ قمری(۱۷درصد). در این طرح پژوهشی مشخص شده است که از ۱۵۱ مکان، ۲۳ مکان به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده اند. ۲۰ مکان به عنوان «اثر ملی»، ۱ مکان به عنوان «اثر جهانی» و دو مکان با عناوین دیگر به ثبت رسیده اند یعنی در مجموع ۱۹ در صد از این اماکن به ثبت رسیده اند.

استاد زبان فارسی دانشگاه برن:

بسیاری در غرب نمی‌دانند ایران همان پارس افسانه‌ای است

استاد زبان فارسی دانشگاه برن سوییس خواستار افزایش تبادلات فرهنگی میان ایران و غرب شد.

مادلین فوگلی ـ استاد زبان فارسی دانشگاه برن سوییس ـ در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا در برن با اشاره به پیشداوری‌هایی که در غرب درباره ایران وجود دارد، تکیه بر جذابیت‌های افسانه‌یی ایران را یکی از راه‌های مقابله با نگرش‌های منفی غرب دانست.

وی تاکید کرد: در حالی که نام «پارس» همچنان طنینی خوشایند در میان غربی‌ها دارد، اغلب پیشداوری‌ها با نام «ایران» در آمیخته است، به نظر می‌رسد بسیاری در غرب نمی‌دانند ایران همان «پارس افسانه‌ای» است.

فوگلی در ادامه‌ی این گفت‌وگو با اشاره به نیاز مراکز ایران‌شناسی و شرق‌شناسی به همکاری دستگاه‌های ذیربط در ایران، به‌ویژه در زمینه ارسال منابع آموزشی و کتاب، خواستار گسترش این همکاری‌ها شد.

به گفته وی روند صدور روادید برای علاقه‌مندان بازدید از ایران پردردسر و نامنظم است و باعث دلسردی متقاضیان سفر به ایران می‌شود.

استاد زبان فارسی دانشگاه برن سوییس همچنین از انجام سفرهای فرهنگی به ایران، به عنوان راهی برای نزدیک‌تر شدن ایران و غرب به یکدیگر نام برد.

وی اظهار داشت که در سال‌های اخیر به‌ویژه علاقه به فراگیری زبان فارسی در سوییس و به‌ویژه در دانشگاه برن به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

سیمرغ

دکتر کیفباد بهدین

چقدر به کیفیت زندگی خود اهمیت می‌دهید(۱)

چاقی شایعترین و پرهزینه ترین مشکل تغذیه ای محسوب می شود. چاقی پس از استعمال دخانیات به عنوان دومین علت مرگ و میر زودهنگام و دومین قاتل جمعیت جوان به شمار می آید. هر چه میزان چاقی بیشتر باشد خطر مشکلات ناشی از آن و مرگ زودهنگام بیشتر خواهد بود. احتمال چاقی بزرگسالان با چاقی والدین و چاقی دوران کودکی ارتباط مستقیم دارد. تا سال ۱۹۸۵ چاقی یک معضل اجتماعی به شمار می رفت ولی امروزه چاقی یک بیماری محسوب می شود.

شیوع این بیماری در طول سه دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است. کمیت چاقی را با «شاخص توده بدن»(BMI) می توان سنجید.BMI عبارت است از:نسبت وزن بدن به کیلوگرم به مجذور قد با واحد متر.) بنابر این شما هم می توانید پس از اندازه گیری قد خود، آن را به واحد متر تبدیل کنید و به توان دو برسانید. سپس وزن خود را که باواحد کیلوگرم اندازه گرفته اید به عدد قبلی تقسیم کنید. BMI طبیعی بین ۲۰ تا ۲۵ قرار دارد. اگر BMI شما بیش از ۲۵ است، اضافه وزن دارید. طی سی سال گذشته شیوع اضافه وزن در ایالات متحده از ۱/۲ جمعیت به ۲/۳ افزایش یافته است . اگر BMI شما برابر ۳۰ یا بیشتر است،چاق هستید. نصف کسانی که اضافه وزن دارند،چاق هستند . درصد کمی از افراد چاق که BMI آنها بیشتر از ۴۰ است، باید برای بهبودی به جراحی فر کنند.

در سال ۲۰۰۰ در حدود چهل میلیون بزرگسال در ایالات متحده آمریکا BMI بالای ۳۰ داشتند. این عده به سبب مشکلات متعدد پزشکی خود به دنبال این بیماری هزینه ای معادل ۱۱۷ میلیارد دلار صرف کرده اند. واقعیت مهمتر این که تعداد کودکان دارای اضافه وزن در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با ۱۷ سال قبل از آن سه برابر شده است همچنین ۱۵ درصد نوجوانان چاق هستند.بسیاری از این نوجوانان به سرعت به عوارض ناشی از این بیماری دچار

می‌شوند و به همین دلیل است که درمان چاقی تا این حد مورد توجه قرار گرفته است.

از عوارضی که به دنبال چاقی احتمال وقوعشان بیشتر می شود و شاید همانند بیماریهای قلبی عروقی معروف و شناخته شده نیستند، چند مورد ذکر می شود:سرطان روده بزرگ، سرطان رحم و سرطان پستان. چاقی مهمترین علت کاهش تحرک در افراد سالخورده به شمار می آید. همچنین اطلاعاتی که از یک تحقیق بزرگ اخیرا به دست آمده نشان می دهد که کسانی BMI برابر با ۳۰ دارند، هفت سال کمتر از افراد با BMI طبیعی زندگی می کنند.

از اینها مهمتر ، توجه داشته باشید در مدت حیات کیفیت زندگی کوتاه افراد چاق در سطح پایینی قرار خواهد داشت و همین امر اهمیت درمان چاقی را بیشتر نشان می دهد.

...ادامه در شماره بعد

فرزاد فروزانفر ، کارشناس انسان شناسی جسمانی :

شکل تدفین مردگان نشان دهنده آمیختگی یا اصالت قومی است

رشته انسان شناسی دو شاخه دارد، آن که درباره مسایل فرهنگی و آداب و رسوم اقوام مطالعه می کند به نام «مردم شناسی فرهنگی اجتماعی» خوانده می شود و آن که با مطالعه روی آثار و اسکلت های بازیافته از اعصار کهن پیش می رود «انسان شناسی دیرین». در انسان شناسی دیرین ، کارشناسانی که محدوده مطالعاتی خود را فقط بر اسکلت ها و جمجمه ها محدود می کنند «انسان شناس جسمانی» خوانده می شوند.

فرزاد فروزانفر ، کارشناس انسان شناسی جسمانی مدت شش سال است که همراه با یک هیات باستان شناسی مرکب از کارشناسان مختلف در منطقه «تول» و «مریان» در تالش کاوش می کند. کار این هیات، یافتن و مطالعه آثاری است که از تمدن های کهن متعلق به نیمه اول هزاره دوم در این منطقه باقی مانده است.

فروزانفر، با مطالعه روی اسکلت های کشف شده در این محوطه و بررسی علمی آنها کشف می کند که این مردم چه ویژگی هایی داشته اند؟ آیا همه متعلق به یک قوم بوده اند یا اقوام مختلفی در این منطقه زندگی کرده اند؟ و از همه جالب تر، چه بیماری هایی در دوره پیش از تاریخ در این منطقه رواج داشته یا شکل تدفین به چه صورت بوده است.

فروزانفر می گوید: «کاوش های باستان شناسی در تالش نکات بسیار زیادی را به ما نشان داده که این نکات می تواند از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار بگیرد. در حالی که باستان شناسان در این منطقه به حفاری و کاوش می پردازند، انسان شناس جسمانی نیز با مطالعه اسکلت ها و جمجمه های به دست آمده می تواند از نظر قوم شناسی، مشخص کند که این اقوام از کجا آمده اند و تحت چه شرایطی زندگی می کرده اند.»

او در توضیح ویژگی های انسان شناسی جسمانی می افزاید: «به همین گورهایی که ما در مریان پیدا کرده ایم نگاه کنید، اینها متعلق به نیمه اول هزاره دوم است، شکل تدفین در این گورها می تواند ما را به نوع خاص آداب و رسوم این قوم راهنمایی کند، اینها قومی بوده اند که مردگان خود را به شکل جنین دفن می کرده اند. این شکل از تدفین در آن دوره تاریخی، کاملا رایج بوده، و چون همه گورهایی که در این منطقه یافت شده همه شکل جنینی داشته اند، می توان چنین نتیجه گرفت که در آن زمان، اینها یک قوم خالص بوده اند و اختلاطی با اقوام دیگر نداشته اند. از سوی دیگر در همان زمان ما در «خرند» (منطقه ای نزدیک به سمنان) منطقه ای را مورد کاوش قرار دادیم که در آن جا دو نوع تدفین به کار رفته بود، هم تدفین به شکل جنینی هم به صورت طاقباز و با توجه به این که اینها از نظر زمانی با هم همدوره بوده اند، نتیجه می گیریم این منطقه در آن زمان دچار اختلاط فرهنگی بوده و اقوام دیگری هم به غیر از قوم بومی در آنجا ساکن بوده اند.»

فروزانفر تنها کارشناس انسان شناسی جسمانی است که در کشور همراه هیات های کاوش سفر می‌کند و درباره اسکلت های به دست آمده تحقیق می‌کند. او درباره شکل عملی کاوش می گوید: «کار من مطالعه روی اسکلت و جمجمه است، در مریان تالش، در آن دوره خاص که اشیا کشف شده نشان می دهند نیمه اول هزاره دوم است، قوم «کادوس» زندگی می کرده اند، در ابتدای ورود این قوم، آنها یک جمجمه یکنواخت داشتند، یک قوم بومی خاص بودند که در ابتدای عصر آهن در این منطقه سکونت داشتند یعنی حدودا سه هزار سال قبل از میلاد. بعد از این زمان است که فرهنگ های دیگر وارد منطقه می شوند و حضور فرهنگ های دیگر می تواند در نتیجه هجوم اقوام دیگر باشد.

قومی که بومی این منطقه بودند اسکلت هایشان تقریبا یک شکل است، یعنی همه از یک نوع جمجمه شکیل یکنواخت برخوردارند، که انسان شناسان آنها را «سر گرد» یا «براکی سفال» می نامند. اما در نیمه دوم هزاره اول قوم دیگری وارد این منطقه می شوند که پارتی ها بودند و حضور آنها را از روی جمجمه های نیمه سر دراز تشخیص می دهیم.»

وی این آمیختگی قومی را فقط بر اثر هجوم اقوام دیگر نمی داند و می گوید: «مهاجرت ها هم در این مساله دخیل بوده اند، مهاجرت هایی که کم کم صورت گرفته اند و پس از گذشت چند صد سال کم کم آمیختگی قومی در این منطقه به وجود آمده. از طرف دیگر، ما فرهنگ «اورارتویی» را می بینیم که کم کم از سمت غرب وارد این منطقه می‌شود و اشیای به دست آمده به ما ثابت می کند که آنها توانسته اند فرهنگشان را در این جا منتشر کنند و رواج دهند. نمونه اش هم آن دستبند مفرغی است که در موزه تالش نگهداری می شود.

اشاره وی به دستبند مفرغی است که در کاوش های مریان از یک گور یافت شده و زبان شناسان پس از خواندن خط میخی حک شده بر آن به این نتیجه رسیده اند که این دستبند از سوی یکی از حکام «اورارتو» به نام «آرگیشتی» و یا پسرش «سردوری» دوم به حاکم منطقه اهدا شده است. کارشناسان می گویند اگر فرضیات آنها درباره این دستبند درست باشد، به طور قطع و یقین، منطقه های مورد نظر می بایست دارای تشکیلات بزرگ حکومتی و سیاسی بوده باشد، که امپراطوری های بزرگی چون اورارتوها خود را بی نیاز از حمایت آنها نمی دانسته اند.»

از فروزانفر می پرسیم آیا مطالعه روی این اسکلت ها می تواند ما را به شناخت «فرهنگ» این قوم راهنمایی کند؟

او با اشاره به این که ما هنوز در ابتدای راه هستیم، می گوید: «ما بعد از چهار پنج سال کاوش مستمر در تالش به این نتیجه رسیدیم که اقوام گوناگونی در اینجا کم کم حضور خود را اعلام کردند. فرهنگ خودشان را رواج داده اند و آهسته آهسته تداخل فرهنگی هم به وجود آمده است. ولی با شواهدی که در آینده به دست خواهیم آورد، حتما می توانیم درباره فرهنگ آنها بیشتر بدانیم.

آنچه مسلم است این است که ما به این نتیجه رسیدیم که ابتدا قومی در این منطقه زندگی می کردند که ما آنها را یک قوم بومی اصیل در تاریخ می شناسیم.

آنها همان براکی سفال ها هستند، بعدها اقوام دیگری هم وارد شدند و با این قوم ارتباط برقرار کردند، این ارتباط ها ممکن است در نتیجه ارتباط های اقتصادی اجتماعی باشد نه جنگ و گریز و مانند اینها، البته شواهد گورها نشان می دهد جنگ های مختلفی در منطقه در می گرفته، بعضی از گورها را داریم که مردها و زن های دفن شده در آن، کاملا مسلح بودند، اشیا زرمی همراهشان بوده، خود من دو نمونه از این زنان رزمجو را هم در مریان و هم در تول شناسایی کردم.

اینها اشیایی که همراهشان بود به هیچ روی نمی توانست اشیا روزمره باشد، انواع سرنیزه و تیردان و شمشیر و ... همراهشان بود که با این که اسکلت هاشان کاملا فرسوده بود، براساس مطالعات علمی موفق شدیم بفهمیم این اسکلت ها متعلق به زن بوده است.»

فروزانفر در چندین هیات کاوش همزمان مشغول کار است. وی کاوش را در سال ۶۹ آغاز کرده و عضو هیات های کاوش شهر سوخته (زابل) اریسمان (نطنز)، سیلک (کاشان) و مسجد کبود تبریز است.

وی کارش فقط مطالعه جمجمه و اسکلت است. تا از آنها نتایج انسان شناسی و مردم شناسی استخراج کند. می گوید براساس استخوان های اندام و جمجمه، سالم بودن یا تغییر شکل دادن آن و بروز هر گونه اختلالی در شکل ظاهری آنها می تواند به این پی ببرد که این اسکلت متعلق به زن بوده یا مرد، بیمار بوده یا سالم و در چه زمانی زندگی می کرده است.

او موفق شده دو نمونه بیماری های هیدروسفال (عقب ماندگی ذهنی) را هم بین ساکنان این منطقه در هزاره دوم شناسایی کند.

میراث خبر، کامبیز احمدی

گردش ۳۹ و درمانگاه یگانگی

دکتر سیما کشاورزی مسؤول کمیسیون بهداشت

روزنامه درمانگاه یگانگی، خیابان رازی، کوچه خان، کوچه شماره ۴

سوالات زیادی دارید از جمله عملکرد گردش ۳۹ در مورد درمانگاه یگانگی . لازم دیدیم اطلاعاتی را در این زمینه خدمتتان ارائه دهیم حدودا دوسال پیش که اعضای کمیسیون بهداشت مشخص شدند در خصوص عملکرد آن و موقعیت فیزیکی آن تحقیقاتی را به عمل آوردند تا جوانب جهت فعال کردن درمانگاه بررسی شود . اول موقعیت فیزیکی درمانگاه : با ۱۸۷ متر زیربنا و ۹ اطاق که فقط یکی از آنها باز بود و روانشاد دکتر لهراسب در آن مشغول طبابت بودند بقیه اطاقها پر بود از وسایل و اسباب و اثاثیه و لوازمی که کاملا خراب ، شکسته و کثیف بودند و با بی دقتی روی هم ریخته شده بود حتی در بعضی از اطاقها وسایل و لوازم از جاهای دیگر که نیازی به آنها نبود نیز دیده می شد . بهترین اطاق درمانگاه که درواقع درب ورودی اصلی درمانگاه بود بسته شده بود و به عنوان اطاق سرویس مدارس از آن استفاده می شد.

سقف اطاقها نم داده و بسیاری از آنها ریخته بود بهرحال وضع بسیار رقت باری را داشت بهتر بگویم دیگر نمی‌توان به آن درمانگاه گفت بعد از بررسی اسناد و مدارک پی بردیم که طبقه دوم آن ساختمان که در حال حاضر محل استقرار دبیرخانه انجمن است نیز زمانی جزو درمانگاه بوده است.

به هر حال مدارک درمانگاه را بررسی کردیم متوجه شدیم از سال ۱۳۷۹ در گردش ۳۸ درمانگاه به وزارتخانه تعطیل اعلام شده است تا مرمت و بازسازی شود ولی بعد از آن جهت بازگشایی هیچ اقدامی نشده است و درمانگاه از نظر وزارتخانه تعطیل می‌باشد . مجوز فعالیت نیز از تیر ماه ۱۳۸۰ تمدید نشده بود و از آن تاریخ درمانگاه بدون مجوز بصورت مطب خصوصی اداره شده است و پروانه فعالیت درمانگاه نیز اعتبار نداشت . مسئول فنی وقت درمانگاه روانشاد دکتر لهراسب بودند که پروانه ایشان هم تمدید نشده بود و ضمن تشکر و قدردانی از کلیه همکیشان عزیز که خیلی دقیق و موشکافانه مسائل انجمن زرتشتیان تهران را پیگیری می‌نمایند و این خود یکی از نقاط قوت جامعه خوب ما می‌باشد از آنجائیکه در گردش ۳۹ خبرنامه ای چاپ نشد وقتی در بین شما عزیزان قرارمی گرفتیم متوجه می‌شدیم که در ضمن از طرف وزارتخانه هم نامه هایی را دریافت می کردیم مبنی بر اینکه وضعیت درمانگاه را روشن کنید در غیر اینصورت مجوز آن بطور کلی باطل و در مانگاه پلمپ خواهد شد .

به اتفاق مهندس آبادیان (رئیس وقت انجمن زرتشتیان) به معاونت درمان و آموزش پزشکی دانشگاه شهید پزشکی مراجعه کردیم تا ببینیم از نظر آنها در چه شرایطی هستیم متاسفانه اگر چند روز دیرتر می‌رفتیم بطور کلی پروانه را باطل اعلام می کردند ولی با صحبتهایی که صورت گرفت موافقت شد به ما فرصتی شش ماهه جهت ترمیم و راه‌اندازی درمانگاه بر طبق ضوابط را بدهند در این بین جهت بررسی وضعیت درمانگاه بازرسینی هم به محل فرستاده‌اند تا شرایط موجود را بررسی کنند به علت اینکه با شرایط غیر قانونی بسیاری مواجه شده بودند بلافاصله درمانگاه را تعطیل اعلام کردند.

در همین هنگام کمیسیون بهداشت مصوبه هیئت مدیره انجمن را مبنی بر بازسازی درمانگاه را گرفت نقشه درمانگاه را که مورد تایید وزارتخانه باشد را تهیه نمودیم و نقشه بازسازی و مرمت آنرا به تایید هیئت مهندسی وزارتخانه رساندیم و قدم به قدم را سعی کردیم با کمک نظر مستقیم بازرسین و افراد ذیصلاح آنجا به پیش ببریم تا اینکه نقشه در کمتر از ۲۵ روز تایید شد و حالا نوبت انجمن بود که فرد مورد نظر را جهت بازسازی درمانگاه انتخاب نماید از من خواسته شد که این مساله را به کمیسیون ساختمان و هیئت مهندسی انجمن بسپارم و از آن زمان تا امروز حدودا هشت ماه و نیم است که این مساله همچنان دست به دست می چرخد با وجودیکه مدام پیگیر این قضیه بودم و زمان را گوشزد می کردم عملا هیچ کاری انجام نشد بارها و بارها جهت جابجایی دستگاههای مخروبه اقدام نمودم و حتی وسایل و تجهیزاتی که شاید بتوان روزی از آنها استفاده کرد را جداکردم به این امید که شاید روزی بازسازی آن شروع شود ولی متاسفانه ؟!!!

فقط امیدوارم گروه بعدی که به انجمن راه پیدا می کنند این کار نیمه تمام را تمام کنند .کلیه مدارک اسناد ، شماره تلفن‌ها و افراد صاحب اختیار در وزارتخانه را و همین طور نقشه تاییدی درمانگاه را ضمیمه اسناد کمیسیون بهداشت خواهم کرد تا راهی که ما از صفر شروع کردیم را ادامه بدهند.

بخاطر داشته باشیم پدران ما به ما یاد داده‌اند اگر برای عام می‌خواهید خیراتی انجام دهید مدرسه، حمام ، درمانگاه یا بیمارستان بنا کنید و حال ما تنها درمانگاه خودمان را که می‌توان خدمتی را به کل جامعه داشته باشد را در وضعیت فعلی قرارداده‌ایم دانسته یا ندانسته ، خواسته یا ناخواسته این کار انجام شده امیدوارم که گردش ۴۰ انجمن زرتشتیان تهران با درایت و دلسوزی کاری را که مرز انجام رسیده است را دنبال نماید.

نوروز بل،سال نوی گیلانی

تحقیق و گردآوری:آذر بهرامی-اشکان غایبی -رشت

در گاه شماری سنتی ما گیلک ها که روی به فراموشی گذارده شده است و تنها هاله ای از آن میان دامداران کوه نشین دامنه شمالی رشته کوههای البرز نمایان است و پیش اهل فن، به گاهشماری دیلمی یا ملبری معروف است ،سال نو یعنی برابر است با ۱۵ امرداد. ما نوروز ایرانی را به صد، نه هزار ذوق و شوق پذیرایم. سفره هفت سین می چینیم. آینه و آجیل و اوستا می گذاریم و به گل و سبزه می آرایم و بسیاری تمهیدات دیگر. چرا که عید ملی ما ایرانیان است و یکی از بهترین عیدها. وجه اشتراک شادی های جمعی ماست و سسخت بدان پایبندیم.

به همین نسبت سال نو اروپاییان و آمریکاییان را نیز می شناسیم و برخی از ما شب ژانویه را گاه مثل خود آن ها شادمانیم. عیبی ندارد،آدم در خوشی دیگران شرکت جوید. همه ی ما انسانیم و برابر و در خانه ی جهانی خود در غم و شادی یکدیگر شریکیم. اما ای کاش ما رشتی ها ، عید خود را هم به خاطر می داشتیم و در سرزمین کوچک و بومی خود ، در این دنیای بزرگ و پهناور ، آن را این قدر غریب و محو با بی تفاوتی خود نه فراموشی خود، پشت سر نمی گذاردیم. رسم است شب ۱۵ امرداد سال نوی گیلک ها تحویل شود و نوروز ما ، یعنی اولین ماه سال دیلمی سر بگیرد.

می گویند در این روز که به گمان پیران منطقه زمین دزدانه نفس سرد بر آورد ، به پیشواز سال نو رفته ، آتشی بلند و عظیم مانند آتش سده می افروزند که آن را نوروز بل می گویند، یعنی شعله ی بلند و فروزان آتش نوروزی.

نوروز بل زمان برداشت گندم و غلات دیگر است. پس ماه خوشی است و شادمانی. ماه دارایی و مال داری. ماه جشن و عروسی. سابق بر این سرتاسر منطقه را جشن و سرور فرا می گرفت. قدیمی ها روایت می کنند که در نوروز بل آتشی عظیم برپا می کردند. اینکه تا چه حد نوروز بل با جشن تیرگان که در دهم تیرماه است ارتباط دارد هنوز هیچ سند و مدرکی در دست نیست. نوروز بل ، تازه شدن سال. آیا این خوشی از برای تغییر و تحول نیست؟ تغییر و تحولی در سال و در انسان. نوروز بل این شعله ی فروزان آتش آیا عید آفرینش انسان نیست و سپاس از خداوند بزرگ؟

خرده گیران و تنگ نظران بگویند این چه نوروزی است که از وسط تابستان شروع می شود! باکی نیست نوروز بیش از نیمی از مردم جهان هم از اول زمستان شروع می شود. هر چه هست باشد. کوه نشینان سرتاسر دامنه ی البرز و جلگه نشینان دریا کناران خزر در مازندران و گیلان به همراه خرم دینان در این سال نو شریکند. مردمی که تنگ هم در آغوش پدر خشن البرز و مادر بخشنده خزر از آستارا تا استرآباد زندگی می کنند و این یکی از نقطه های اشتراک و پیوند تاریخیشان است.

با تشکر و سپاس

مردم در مردم

آقای بهزاد نیک دین از اصفهان در یک نامه کوتاه پس از اندکی صحبت راجع به القاب و عناوین ، اینگونه برای ما نوشته اند ویک پیشنهاد هم داده اند . با هم می خوانیم :

به تمام همکیشان باید بگویم که بنده خودم را خادم و خدمتگذار می دانم و هدفی ندارم جز خدمت کردن به همه انسان ها و هیچ قصدی ندارم برای خدمت کردنم که خواسته باشم از این اسم و شهرت ، خود را به مقامی یا منصبی یا سوء استفاده مالی بکنم از این به بعد به بنده لقب خادم بدهید که افتخارم بر این است و خوشحال کسانی را که شاید ناراحت باشند از این که به بنده نام موبدی را بدهند افتخار دراسم و نام نیست . افتخار در خدمت صادقانه کردن است که بنده وجدانا خودم از خودم راضی هستم و می دانم خدای من نیز از من راضی هست . پیشنهاد دوم بنده این است که اگر صلاح بدانید ستونی از هفته نامه خوب خود را در مورد آشنا نمودن جوانان دختر و پسری که تصمیم به ازدواج و تشکیل خانواده دارند بدهید که واقعا لازم است در این زمانه که واقعا این کار کاری است بس لازم و شایسته که جوانان ما از این حیرانی و گیجی در بیایند . هستند خانواده هایی که امکانات مالی خوب و همه چیز دارند ولی نمی شناسند و ندارند کسانی را که باعث آشنایی شوند. پسرانی هستند که همه چیز دارند ولی نمی شناسند دخترانی را که ایشان نیز آماده ازدواج هستند .پس بیایید شما شروع کنید این انقلاب را.

بنده نیز همه گونه حاضرم در خدمت شما باشم آماده همه گونه راهنمایی و خدمت می باشم در هفته نامه خود درج کنید این مطلب را و اگر لازم بود اولین شخص را بنده معرفی کنم .

با تشکر

نکاتی ظریف برگزیده از کتاب های کلید های موفقیت در مدیران

۱- همیشه واژگان خود را به روز کنید و به خاطر داشته باشید این کار به شما کمک می کند که بهتر ارتباط برقرار کنید .

۲- همیشه برای انجام کارها راهی وجود دارد شما باید آن را پیدا کنید و فقط آن را انجام دهید .

۳- اهدافی که خود بدست می آیند اهدافی هستند که خوب تعیین شده اند.

۴- شنونده خوبی باشید . بیشتر اوقات مردم فقط می‌خواهند که حرف هایشان شنیده شود،آنها واقعا نمی‌خواهند مشکلاتشان حل شود.

۵- سوالات با کلماتی چون ، چه ، چه وقت ، کجا و چگونه شروع می شوند و سوالاتی هستند که اطلاعات زیادی به شما می دهند

۶- مهم فکر کنید . ظاهر خود را مهم جلوه دهید و کار خود را مهم در نظر بگیرید .در این صورت مردم شما را فرد مهمی می بینند .

شلوار تک پیراهن
پوشک کاوسی
در اندازه های مختلف
کت وشلوار
پارچه موجود است
سفارشات در اسرع وقت
خیابان سمیه مابین مفتح و فرصت جنب بانک سپه پلاک ۴۵
تلفن: ۸۳۰۶۱۹۳

فروشگاه لوازم آرایش بهداشتی
باران
جدیدترین عطرها با بهترین قیمت
از ساعت ۹/۳۰ تا ۲۲/۳۰ هر روز
نشانی: یوسف آباد، اسد آبادی بالاتر از میدان فرهنگ جنب پیتزا دریندر
تلفن: ۸۰۶۴۷۱۵
moda
bavar
باران

آجیل وخشکبار سرو
قند سبز، شیرینیجات یزدی سوغات شهرستانها
تهیه مرغوبترین آجیل(لرک)
جهت هرگونه مراسم
در خدمت همکیشان گرامی میباشد
کوی نصر(گیشا)نبش خیابان ۱۵ پلاک ۱۸۰
تلفن: ۸۲۷۴۳۶۵

خانم یا آقایی ۲۰ تا ۶۰ ساله
جهت نگهداری کودک و سالمند
نیازمندیم
تماس: ۰۹۱۲۳۸۰۵۵۱۸

عقاب» (۲)

سروده‌ای از دکتر پرویز ناتل خانلری

...
می کنم شکر که درویش نیم
خجل از ما حضر خویش نیم
گفت و بنشست و بخورد از آن گند
تا بیاموزد از او مهمان پند
عمر در اوج فلک برده به سر
دم زده در نفس باد سحر
ابر را دیده به زیر پر خویش
حیوان را همه فرمان بر خویش
بارها آمده شادان ز سفر
بر رهش بسته فلک طاق ظفر
سینه ی کبک تذرو و تیهو
تازه و گرم شده طعمه او
اینک افتاده در این لاشه و گند
باید از زاغ بیاموزد پند
بوی گندش دل و جان تافته بود
حال بیماری دق یافته بود
دلش از وحشت و بیزاری ریش
گیج شد بست دمی دیدهٔ خویش
یادش آمد که بران اوج سپهر
هست پیروزی و زیبای ومهر
فر آزادی و فتح و ظفر است
نفس خرم باد سحر است
دیده بگشود به هر سونگریست
دید گردش اثری زینها نیست
هر چه بود از همه سو خواری بود
وحشت و نفرت و بیزاری بود
بال بر هم زد و برجست زجا
گفت ای یار بیخشای مرا
سالها باش و بدین عیش بساز
تو و مردار و تو و عمر دراز
من نیم در خور این مهمانی
گند و مردار تو را ارزانی
گر در اوج فلکم باید مرد
عمر در گند به سر نتوان برد
شهپر شاهِ هوا ، اوج گرفت
زاغ را دیده بر او مانده شگفت
سوی بالا شد و بالاتر شد
راست با مهر فلک همسر شد
لحظه ای چند برآن اوج کبود
نقطه ای بود و دگر هیچ نبود

هر آن چه هستی، بهترینش باش

اگر نمی توانی بلوطی برفراز تپه ای باشی
بوته ای در دامنه کوهی باش
ولی بهترین بوته ای باش که در کناره راه می روید
اگر نمی توانی درخت باشی ،بوته باش

اگر نمی توانی بوته ای باشی ، علف کوچکی باش
و چشم انداز کنار شاهراهی را شادمانه تر کن
اگر نمی توانی نهنگ باشی ،فقط یک ماهی کوچک باش
ولی بازیگوش ترین ماهی دریاچه !

همه ما را که ناخدا نمی کنند ،ملوان هم می توان بود
در این دنیا برای همه ما کاری هست
کارهای بزرگ و کارهای کمی کوچک تر
و آن چه که وظیفه ماست ،چندان دور از دسترس نیست.

اگر نمی توانی شاهراه باشی ،کوره راه باش
اگر نمی توانی خورشید باشی ،ستاره باش
با بردن و باختن اندازه ات نمی گیرند
هر آن چه که هستی ،بهترینش باش !

داگلاس مالوچ

آشنایی با موسیقی و انواع سازها

شهریار آتش بند

مهمترین عاملی که معنای اعم پایه ها واساس جدی در آموزش موسیقی به شمار می رود سلفژ است که از دو قسمت عملی و نظری تشکیل شده است .

قسمت عملی شامل خواندن و تلفظ نت ها به شکل آوازی و به شکل وزن خوانی است و قسمت نظری آن شامل شناخت کلیه‌ء علامت ها و قواعدی است که در طی قرون متمادی به منظور اجرای هر چه بهتر و دقیق تر موسیقی ابداع و تکامل یافت .

بدون در نظر گرفتن بعضی از کشورهای شرقی که در آن ها آموزش ساز و آواز به روش سینه به سینه تعلیم داده می شود در بقیه‌ء نقاط دنیا موسیقی به عنوان یک درس بنیادی به شمار می آید که در مدارس و دانشکده های موسیقی تدریس میشود.

موسیقی خود به عنوان یک هنر است یا در واقع هنر بیان احساسات به وسیله صداها است که مهمترین عوامل تشکیل دهنده‌ء آن صدا و وزن است. این علم خود دارای الفبایی است که در اصطلاح به آن نت گویند که این الفبا در کلیه سازها استفاده می شود.

در تقسیم بندی سازها نیز باید آن ها را به چند دسته ء عمده تقسیم کرد که عبارتند از :

۱ - سازهای کوبه ای
۲ - سازهای بادی
۳ - سازهای زهی

سازهای کوبه ای از قدیمیترین انواع سازها هستند که این سازها پایه و اساس به وجود آمدن سازهای دیگر و پی آمد آن علم موسیقی شد. که در شماره های بعدی به معرفی آن و سازهای دیگر می پردازیم.

مدونای جدید

مدونا، خواننده موسیقی پاپ آمریکا دوشنبه شب هفته گذشته ، با ظاهری جدید و از همیشه پر انرژی تر، تور دور دنیای کنسرت جدیدش را در شهر لس آنجلس آغاز کرد.

این مجموعه کنسرت ها که «تور جهانی ابتکار نو» نام دارد شامل ۵ اجرا در آمریکا، کانادا و اروپا است.

مدونا که ۴۵ سال دارد و مادر دو فرزند است، در کنسرت جدیدش با بدنی ورزیده تر از همیشه به روی صحنه آمده است.

شهرت این خواننده پاپ، از ابتدای کارش تا به حال، به دلیل محتوای بحث برانگیز موسیقی، ابتکار و خلق چهره ها و شخصیت های جدید برای خودش بوده است.استفاده از اشعار مولانا یکی از اینگونه ابتکارات اوست.

عنوان «تور جهانی ابتکار نو» اشاره به همین شخصیت و ظاهر جدید دارد که، در عین نو آوری، مجموعه ای است از شخصیت های قبلی مدونا. در کنسرت جدید مدونا از اشاره ها و محتوای برانگیزنده و جنسی که مشخصه کار او بوده کاسته شده و جای آن را تصاویر و اشاراتی به بحران های موجود آمریکا و جهان، از جمله جنگ عراق و مسئله شکنجه گرفته است.

موضوع بخش میانی کنسرت مدونا یک ارتش تخیلی و جنون آمیز است که در آن رقصنده ها، بعضی با لباس نظامی و بعضی دیگر در پوشش مذهبی، و مدونا در نقش فرماندهشان به روی صحنه می آیند.

در این هیاهو یک کشیش و نیز زنی پوشیده در حجابی الهام گرفته از پوشش زنان افغان نیز دیده می شوند.

مدونا در حین اجرای یکی از آواز های قدیمی اش با عنوان «سوختن»، در حالیکه می خواند ، تصاویر مبهم ویدیوئی در بالای صحنه، تصاویری از جنگ و خشونت های جنسی را منعکس می کنند که یاد آور تصاویر زندان ابو غریب است.

محتوای سیاسی این کنسرت در بین منتقدان بازتاب های مختلفی ایجاد کرده است. بعضی بعد از شنیدن تبلیغات مذهبی و اظهار نظر های ساده از زبان مدونا در طول سه سال گذشته، این کنسرت را بازگشت او به عنوان هنرمندی هوشمند و پر جرأت می‌دانند که در کارش رشد کرده است، و دیگران مدونا را خواننده ای می بینند که نظریات سیاسی و ضد جنگش بی‌جهت با کارش آمیخته شده است.

مدونا در طول سه سالی که از آخرین کنسرتش می گذرد مجموعه آهنگ های تازه ای با عنوان «زندگی آمریکائی» ارائه کرد که چندان موفق نبود.

او همچنین چند کتاب قصه برای کودکان نوشته و به همراه همسرش، گای ریچی، کارگردان فیلم، پیرو آئین قبالا شد که از مکاتب فلسفی دین یهود است.

در این اولین اجرا از مجموعه کنسرت های «ابتکار نو»، مدونا با اجرای آهنگ های قدیمی تر خود، روایت تازه ای از شخصیت های قبلی‌اش نیز عرضه می کند.

به عنوان مثال، در حین اجرای آهنگ «دختر مادی»، وقتی می خواند «من دختر مادی هستم که در جهانی مادی زندگی می کند»، رو به تماشاچیان اضافه می کند «نه واقعا» ، و در موقع خواندن آهنگ «بابا موعظه نکن» تی شرتی به تن دارد که تبلیغ آئین تازه اش را می کند.

همچنین هنگامی که آهنگ «ژست بگیر» را می خواند، علیرغم حرکات نمایشی گذشته که به جهان مد اشاره داشت، این بار مدونا بر روی دو دستش در هوا بلند می شود و استقامت بازوهای عضلانی و ورزیده اش را به نمایش می گذارد.

در قسمت آخر کنسرت ، نوازندگان ساز های بادی اسکاتلندی به روی صحنه می آیند، و مدونا و رقصندگانش با دامن های چهارخانه و لباس محلی این کشور، بر زمینه صحنه هائی از ویدئوی آهنگ های قدیمی و آشنا، برای تماشاچیان اجرا می کنند.

در پایان، صحنه را پرده ای می‌پوشاند که بر رویش این کلمات می درخشند: «خودت را دوباره ابداع کن.»

فراموشی را فراموش کنید

محسن مخملباف بی شک سیاسی ترین فیلمساز ایران پس از انقلاب است. چه یک دهه قبل که روزنامه کیهان در شماره اول خرداد سال ۱۳۷۰ خود با چاپ فیلمنامه شب های زاینده رود و عکس های گرفته شده از آن به اقدامی دست زد که در تاریخ روزنامه های ایران بی سابقه بود و فشارهای ناشی از ساخت فیلم او سرانجام به استعفای سید محمد خاتمی از مقام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجامید و دو فیلم نوبت عاشقی و شبهای زاینده رود هرگز به نمایش عمومی در نیامد. و چه امروز که فیلمنامه جدیدش پس از یک دهه پرفراز و نشیب در زندگی هنری اش به علت عدم پروانه ساخت در روزنامه منتشر می گردد. فراموشی روایت پیچیده پدیده افراط است.

هر چند در بار اول مطالعه وجه سیاسی و ظاهری آن بیش از هر چیز قابل مشاهده است اما زیر ساخت اثر آشکارا حدیث تفریطی است که اندک اندک پرورش می یابد و روزی انسان صاحب عمل را در خود گرفتار می کند. انباری از خاطره می سازد که روزی از هراس مقدارش باید به فراموشی پناه برد.

فیلم نامه روایت مرد نابینایی است که در اداره ممیزی به کار سانسور اثار هنری مشغول است و هدفش پاکیزگی روح و فکر مردم جامعه است. عمل خیرخواهانه و نیت پاکش در مرور زمان شکل متفاوتی به خود میگیرد و فیلم نامه روایت طغیان خاطره های اوست که اینک بر تمام گوشه های زندگی اش سایه افکنده است.

آنچه در این میان مهم به نظر می رسد این است که برخورد کاملا سیاسی با این اثر هیچ گره و ابهامی از آن را نخواهد گشود. چنان که روزنامه شرق نیز در یادداشت خود این نکته را یاد آور شده که ((برخورد سیاسی با این اثر کمک چندانی به آن نمی کند و سمبل سازی هایی از این دست که مرد نابینا سمبل فلان کس یا چیز است خطایی آشکار است..)) هر چند طرفداران و منتقدینی هستند که از او فقط سیاست می خواهند و شاید هنوز در انتظار شور و هیجان سیاسی او مانند دهه شصت باشند.

روایت او از مرد نابینای سانسور چی در بدو امر نقبی به خاطرات خود اوست (بچه که بودم سینما نمی رفتم. از کوچه هم که رد میشدم برای این که موسیقی مبتذل آن دوران را نشنوم انگشت هایم را در گوشم می کردم..)(فیلم-شماره ۴۳ .اثر ۶۵)

مرد نابینا در اداره ممیزی همراه با آپاراتچی از او بررسی فیلم ها مشغول است. مرد آپاراتچی از او درباره فیلم تخته سیاه سمیرا میپرسد و پاسخ این که :نه ، رده. فیلم های این دختره رو باباش می سازه. دختر ایرونی همچین لیاقتی نداره. دیگه خسته شدم... کنایه طنز آمیز مخملباف به خود یاد آور جوان افراطی بود که خواستار کناره گیری گذشتگان از سینما بود. مخملباف در مصاحبه آتشینش با نشریه سروش شمشیر را از رو بست :طاغوتی ها خودشان هم می دانند که من حاضر نیستم حتی در یک لانگ شات با آنها حضور پیدا کنم چه برسد به این که با آنها کار کنم. چهار سال است بعضی از آنها وقت ملاقات می خواهند و من نمیدهم. به من حق بدهید به عنوان پا برهنه ای از نسل ۱۷ شهریور از اینها بدم بیاید.(سروش-تیر ۶۶)

فراموشی را مخملباف فارغ از بحث های سیاسی در راستای دغدغه اش درباره انسان و اعمالش نگاشته. دیدگاه اومانیستی او در تمام خط سیر ماجرا به چشم می خورد. تاکید فراوان بر صحنه آب خوردن زن از لیوان در حالی که همه آب بر روی پیراهن و لباسش می ریزد دلهره هایی است که او بیش از هر کسی آنها را تجربه کرده است. هر چند که بسیار آرام تر و آهسته تر حرکت می کند. بر خلاف مخملبافی که در عروسی خوبان اگر فرصتی می یافت دنیا را منفجر می کرد. او حتی چندان مایل نیست مانند فصل عروسی در عروسی خوبان همه را از تیغ نقد بگذراند. به سادگی گذشته قضاوت نمیکند و فقط روایتگری است که شاید دیگر حوصله ندارد نیش تندی مانند بایکوت به چپگراهای آن دوران بزند.

شخصیت به ظاهر عجیب همسر مرد کور را او می شناسد. بیش از هر کس دیگر و یا شخصیتی دیگر او را تجربه کرده است.دریافت او از فراموشی زن هرگز و شاید لحظه ای دور از دسترس نیست. زن برای دور شدن از رفتار شوهرش به والیوم پناه برده و باز همان افراط (که دستمایه اصلی روایت است) در مصرف قرص او را دچار فراموشی دائم کرده است. فرزند و شوهرش در حافظه او جایی ندارند. محسن مخملباف یک دهه قبل در نامه سرگشاده اش نوشت (دست از سر من بردارید و دنیایی را که به من تعارف کرده اید به خواهان آن تقدیم میکنم.)

گروه نابینایان در جاده با هم شعر می خوانند و شعر متعلق به اسطوره مخملباف یعنی احمد شاملو است و بی درنگ آن صحنه تست دموکراسی را به یاد می آورد که مخملباف کبوتران را در یک شاملو پرواز می دهد. فیلمنامه قطعا وجه داستانی پر تحرکی دارد و شاید چندان برای ساخته شدن فیلم مناسب به نظر نرسد. هر چند که شاید بسیاری از تصاویر مانند درخواست زن مرد کور برای این که در جوی آب تف کند به هنگام به تصویر کشیده شدن روایتی تازه بیابد.

طعنه آمیز است که این حدیث عصیان و افراط بر سر خود فیلمنامه و سرانجامش هم سایه افکنده است. و عدم دریافت مجوز آن یادآور حرفهای همان جوان روزهای قبل است : سینمای ما نباید با سیاستهای احتیاطی به یک سینمای سرگرمی خانواده ها تبدیل شود. این که ما بسازیم و ارشاد هم مجوز بدهد و دل هیچ مستضعفی به احیای ارزشی شاد نشود کار عبثی است. و نهایتا :من آن شخصیتم از سال ها پیش جا گذاشتم و دیگر نمیشناسمش. (فیلم-آذر ۶۵)...نمی دانم در این روایت فراموشی چقدر از شالوده داستان حدیث نفس فیلمساز است. اگر فیلم ساخته شود آنگاه در این باره بهتر می توان داوری نمود.

روزهای دور (۲)

نخستین بخش از یک قصه شیرین و باور نکردنی از یک عشق قدیمی. با کاراکترهای زرتشتی و خیالی و یک نویسنده زرتشتی

داستان بلند

نوشته ا - خسروی

این یک داستان خیالی است . آدمها و رویدادها خیالی اند. اگر واقعی به نظر می رسند تصادفی است .

شیرینی که در تمام این مدت بیست و شش سال و هفت ماه و دوازده روز با وجودیکه کوهها و دریاها میان ما فاصله انداخته با من بوده

وگرنه من که در یزد کسی را ندارم . نمی دانم شاید هم دارم و از آنها بی خبرم.می خواهم تنها باشم . تنها با خیال شیرین.

دانش آموز کلاس یازدهم

مارکار بودم که یک روز صبح طبق معمول بدنبال - کیخسرو رفتم تا با هم بمدرسه برویم . در منزلشان را زدم و شیرین در خانه را باز کرد . همینکه نگاهش کردم و خنده اش را دیدم ، چیزی در وجودم شکست و پاهایم لرزید . زبانم بند آمد و می خواستم بگویم به کیخسرو بگو بیاید . اصلا جرات هیچ کاری نداشتم.

شیرین خندید و همراه با خنده اش کیخسرو را صدا زد.

***

در راه مدرسه بر عکس روزهای دیگر ساکت بودم هیچ حرفی برای گفتن نداشتم و کیخسرو هم از من سوال می‌کرد و هر سوالی را دو سه دفعه می پرسید تا من جواب می دادم .بالاخره عصبانی شد و گفت امروز چی شده مثل اینکه خیلی ناراحتی اصلا حواست پرت شده .تو خونه دعوا کردی ،اتفاقی افتاده ؟جوابی نداشتم یا بهتر بگویم خودم هم نمی دانستم چه جواب بدهم .

توی مدرسه هم مثل آدمهای مسخ شده تخته سیاه را نگاه می کردم . بدون اینکه اصلا بفهمم معلم چه می‌گوید.بالاخره معلم ریاضی گویا متوجه وضع من شد و آمد بالای سرم و گفت:

«زنگ تفریح توی کلاس بمان با تو کار دارم.زنگ تفریح بچه ها را از کلاس بیرون کرد و کنارم نشست و گفت: من مشکل تو را درک می کنم و می دانم که تو فقیر ترین دانش آموز این کلاسی . به همین دلیل علاقه دارم که درس‌بخوانی و برای خودت کسی بشی. اگر سایرین درس نخوانند بالاخره پدر پولداری دارند که کمکشان کند و دست بکاری بزنند ولی تو چی ؟ من هم مثل تو بودم.فقیر به معنی واقعی کلمه . تصمیم گرفتم درس بخوانم و خدا را شکر امروز زندگی می کنم. تو هم باید خوب درس بخوانی تا سال دیگر دیپلم بگیری آنوقت فکر می کنی که می توانی دانشگاه بروی یا خیر آنچه مسلم است با درسی که تو می خوانی حتما کنکور قبول می شوی و می توانی جزو شاگردان ممتاز هم باشی.اگر اینطور بشود که من اطمینان دارم چنین خواهد شد هزینه تحصیل تو را دولت پرداخت می کند و حتی تو را به - خارج هم می فرستند . یادت باشه این حرفها که به تو زدم به کسی نگویی ولی خودت عمل کن. چون با پشتکار و استعدادی که من در تو سراغ دارم حتما موفق خواهی شد.

مهماندار برایمان شام آورده از من سوال می کند که شام سبزی جات می خورم یا گوشت؟می گویم فرقی نمی کند.غذای بسته بندی شده ای روی میزم می گذارد و اشتهایی ندارم . ولی خودم را مشغول می کنم. هنگام شام خوردن جوان آلمانی بغل دستی ام می پرسد شما هم به آلمان میایید؟

می گویم:«خیر» و مشغول خوردن می شوم.

می گوید حتما بعد از فرانکفورت شما ادامه مسیر می دهید و به هندوستان می رود؟

می گویم نه .

می پرسد :«پس کجا می روید؟»

نگاهش می کنم و می گویم:«یزد»می دانم که این اسم را تا کنون نشنیده و نمی داند کجای دنیاست. از سوال کردنش راحت می شوم.مهماندار ظرف ها را جمع می کند و یک لیوان آب می خورم و بخاطر - اینکه دیگر جوان آلمانی سوال نکند چشمهایم را می بندم و پرنده خیالم به یزد پرواز می کند.

تا آنروزیکه معلم ریاضی درباره فقیر بودنم چیزی نگفته بود نمی دانستم فقیر بودن گناه بزرگی است و بقول شکسپیر " غارت شده کسی است که بداند ثروتش را ربوده اند " من امروز غارت شده بودم. چون فهمیدم که فقیر ترین دانش آموز کلاسم و فهمیدم که آدم فقیر حق عاشق شدن را ندارد یا اگر هم خواست‌عاشق شود نباید عاشق دختری که پدرش پولدار است بشود. این اولین و سخت ترین درس زندگی ام بود.ولی مگر این دل هم این چیزها را می فهمید؟

چند روزیکه از این جریان گذشت چون توی خانه هم حوصله صحبت و شوخی نداشتم مادرم از اینکه لاغر شده بودم نگران شد و خواست مرا به دکتر ببرد که مخالفت کردم و گفتم سالم هستم و به دکتر احتیاجی ندارم .

...ادامه در شماره بعد

شخصیت اصلی داستان که هنوز نامش بر ما معلوم نیست د رهواپیما نشسته و بعد از چند سال از آمریکا به ایران برمی گردد . خاطره « شیرین» را زیر و رو می کند . دیدن او آروزی دیرین - شخصیت داستان ماست.و اینک دنباله ماجرا:

امروز شهر اندیشه

شاخه زرین، پژوهشی در جادو، مناسک و دین به زودی منتشر می شود

«شاخه زرین» ، پژوهشی در جادو، مناسک و دین از سوی انتشارات آگه به زودی منتشر می شود. «شاخه زرین» کتابی پژوهشی است درباره جادو و دین که به وسیله «سر جیمز جورج فریزر» ،مردم شناس ،نژاد شناس و ادیب انگلیسی نوشته شده است. سر جیمز جورج فریزر، در بین سال های ۱۸۵۴ تا ۱۹۴۱ می زیست. او از ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۵ زندگی خود را وقف تالیف کتاب سیزده جلدی «شاخه زرین» کرد. فریزر ضمن تحقیق درباره منشاء آداب ، اعتقادات ، دین و مناسک متعدد در جهان قدیم و فرهنگ جوامع ، به توصیف تاریخ تفکر آدمی و تا حدی تاریخ ادیان ابتدایی و مناسکی که مردم جوامع ، خاطره آنها را طی قرن ها حفظ کرده اند ، می پردازد. این انسان شناس در سال ۱۹۲۲ کتاب سیزده جلدی خود را در یک جلد خلاصه و مختصر کرد. کتابی که در ایران توسط کاظم فیروزمند ترجمه شده است و از سوی نشر آگه به بازار کتاب می آید، برگردان همین کتاب است. کتاب«شاخه زرین» به زعم بسیاری از صاحب نظران، از غنی ترین منابع انسان شناسی محسوب می شود. «شاخه زرین» در یک جلد و در ۸۸۰ صفحه، تا خرداد ماه به بازار کتاب عرضه می‌شود.

فراخوان

سومین جشنواره سراسری نمایش زرتشتیان

سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی استان یزد در نظر دارد سومین جشنواره سراسری نمایش زرتشتیان«نکوداشت دکتر کسرا وفاداری» را در شهریور ماه سال جاری برگزار نماید.بنابراین از کلیه همکیشان علاقه مند دعوت می شود متون نمایشی خود را مطابق شرایط زیر حد اکثر تا تاریخ ۱۵ تیرماه ۸۳ به آدرس یزد- صندوق پستی۳۵۵-۸۹۱۶۵ سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی استان یزد- دبیرخانه جشنواره سراسری نمایش زرتشتیان ارسال نمایند.

شرایط شرکت در سومین جشنواره سراسری نمایش زرتشتیان

۱- همه گروه ها موظفند فرم درخواست شرکت در جشنواره را حد اکثر تا تاریخ ۱۵ تیرماه ۸۳ به نشانی دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. بدیهی است به در خواستهایی که پس از این تاریخ به محل دبیرخانه برسد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲- هر گروه باید در فرم درخواست شرکت در جشنواره یک نفر را به عنوان سرپرست گروه با ذکر مشخصات کامل،آدرس و شماره تلفن معرفی نماید که پس از آن دبیر خانه تنها با سرپرست گروه ارتباط داشته،کلیه مسئولیت های گروه بر عهده سرپرست می باشد.

۳- به همراه فرم درخواست شرکت در جشنواره،متون نمایشی همراه با دیسکت حاوی متون نمایشی ضمیمه گردد.

۴- متون نمایشی باید درسه نسخه برروی کاغذ A4، بصورت یک رو با فونت Lotus14 تایپ شده و برروی جلد آن به ترتیب پس از جمله «سومین جشنواره سراسری نمایش زرتشتیان» ، عنوان نمایشنامه ، نام نویسنده ، نام گروه اجرائی و نام سرپرست گروه نوشته شودوهر سه نسخه به امضاء سرپرست گروه برسد.

۵- ارسال نمایشنامه بمنزله تائید آن ازسوی نویسنده جهت اجرا توسط گروه درخواست کننده است وکلیه مسئولیت هادر این مورد متوجه سرپرست گروه خواهد بود .

۶- کلیه متونی که نویسنده زرتشتی داشته در بخش ویژه نمایشنامه نویسی جشنواره شرکت داده می شوند و به بهترین نمایشنامه که موضوعی مرتبط با آیین ،فلسفه،فرهنگ و تاریخ زرتشتی داشته یا ارائه گر دیدگاهی نو در این زمینه باشد جایزه ویژه‌ا ی تعلق خواهد گرفت.

۷- کلیه همکیشان می توانند نمایشنامه های خود را برای شرکت در بخش ویژه نمایشنامه نویسی جشنواره با حفظ فرمت مذکور در بند چهارم تا تاریخ ۱۵ تیرماه ۸۳ به نشانی دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

۸- نتایج بازبینی متون ارسالی توسط کمیته بازبینی حد اکثر۲۵ تیرماه ۸۳ به سرپرست هرگروه اعلام خواهد شد. بدیهی است کمیته مذکور در رد و یا تأئید متون ارسالی آزاد می باشد.

۹- کمیته بازبینی می تواند از سرپرست گروه درخواست اصلاح و یاتغییر نمایشنامه را نماید که در این صورت سرپرست موظف است پس از اعمال تغییرات خواسته شده متن اصلاح شده را حداکثر ظرف مدت یک هفته به دبیرخانه ارسال نماید. قابل ذکراست که هماهنگی با نویسنده متن در خصوص تغییرات اعمال شده بر عهده سرپرست گروه می باشد.

۱۰- کلیه بازیگران،سرپرست وکادر اجرائی حاضر در جشنواره باید زرتشتی باشند ولی سرپرست می تواند یک نفر را ازمیان اعضا کادر فنی همراه (کارگردان،گریمور ، طراح صحنه) را از افراد غیر زرتشتی برگزیند و همراه اعضاگروه به دبیرخانه معرفی نماید .

۱۱- دبیرخانه جشنواره در نظر دارد همانند دوره پیش در جشنواره جهانی از ویژه نوهلالان زرتشتی برگزار نماید.شرایط شرکت در این قسمت نیز همانند بندهای مذکور است.بعلاوه اینکه تمام بازیگران باید حداکثر ۹ سال تمام را دارا باشند.رضایت نامه والدین جهت شرکت نوهلالان در این بخش ضمیمه فرم در خواست باشد. تمام مسئولیت گروههای شرکت کننده در این بخش بر عهده سرپرست گروه خواهد بود.

گم شدن یک تابلوی نقاشی از پیکاسو

یک تابلوی نقاشی متعلق به پابلو پیکاسو، نقاش شهیر اسپانیائی در مرکز پمپیدو در پاریس گم شد.

تابلوی «طبیعت بی جان» که بیش از سه میلیون دلار ارزشگذاری شده یک نقاشی کوچک در سبک کوبیسم است که در سال ۱۹۲۴ ترسیم شده است.

پلیس فرانسه اعلام کرد این تابلو از کارگاه ترمیم آثار هنری ، متعلق به مرکز پمپیدو ناپدید شده و برای آخرین بار در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ در این کارگاه دیده شده است. روز جمعه ۱۶ مه مشخص شد که این تابلو در این کارگاه وجود ندارد.

یک مامور پلیس فرانسه به خبرگزاری فرانس پرس گفت «همه جا را جستجو کردیم ولی موفق نشدیم که آن را بیابیم. مسئولان مرکز پمپیدو عقیده دارند که این تابلو دزدیده شده است.»

یکی از مسئولان موزه می گوید به دلیل مشهور بودن تابلو ، «سارق» نخواهد توانست این تابلو را به آسانی بفروشد.

این تابلو که قرار بود برای نمایش ، به موزه ای در شمال فرانسه قرض داده شود، برای ترمیم به کارگاهی در مرکز پمپیدو فرستاده شده بود